مديريت راهبردي آموزش‌عالي و دانشگاهي در ايران

و حساسيت‌ اقتصادي و اجتماعي

يدا... مهرعلي‌زاده[[1]](#footnote-1)\*

به‌طور کلی دانشگاه به‌عنوان کانون تولید علم که به‌صورت تاریخی و سنتی مشروعیتی در این زمینه کسب کرده بر پایه شبکه‌هایی از مبانی فنی و اجتماعی پایه‌ریزی شده که در اتصال اجزای گسسته جامعه و به‌ویژه خرده نظام‌های معرفت، قدرت، ثروت و منزلت سهمی قابل توجه برعهده دارد. این سهم در کشورهای مختلف سرشت و ماهیتی متفاوت دارد. سرشتی که ریشه در نهادهای ایجادی، حمایتی و هدایتی جامع و آموزش‌عالی به‌طور اعم و دانشگاه به طور اخص دارد.

در هنگام بروز بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جایگاه نهادها و سازمان‌ها و میزان حساسیت و اهمیت آنها مشخص می‌گردد. بدون شک به هنگام رخداد بحران‌های طبیعی و یا اقتصادی و اجتماعی و بهداشتی کارکرد نهادهایی مانند امنیت، بهداشت، آموزش و آموزش‌عالی، بنگاه‌ها و... برای جامعه حساسیت و اهمیت متفاوتی دارند. بیماری کرونا به‌عنوان یک بحران بهداشتی با ابعاد وسیع است که تأثیرات متعددی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و فنّاوری بر مدیریت راهبردی آموزش‌عالی جهان و ایران برجای گذاشته است. مهم‌ترین تأثیر بیماری کرونا در حوزه تغییرات ساختاری، فرایندی، اقتصادی و اجتماعی است.

منظور از حساسیت در یادداشت حاضر میزان اهمیت و مقبولیت دانشگاه و آموزش‌عالی برای جامعه در مقابله با بیماری کرونا است. هم اکنون که با توجه به شرایط قرنطینه ناشی از بیماری کرونا دانشگاه‌ها نیز به اجبار تعطیل شده‌اند. در این جا دو پرسش قابل طرح است:

پرسش نخست: آیا تعطیلی دانشگاه برای جامعه به‌ویژه فعالان بخش‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی در مقایسه با تعطیلی دیگر نهادها و دستگاه‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی از اهمیت و حساسیت برخوردار است؟

پرسش دوم: چگونه مدیریت آموزش‌عالی و دانشگاه‌های ایران می‌تواند بین انتظارات نظری و عملی و کارکردی مردم در خصوص حساسیت، اهمیت و نقش راهبردی دانشگاه در برنامه‌های مدیریت بحران خود تجدید نظر نماید؟

پرسش اول ناظر به این مسئله است که آیا تعطیلی دانشگاه موجب شده مردم نسبت به فقدان چنین نهادی احساس کمبود داشته باشند؟ از سویی دیگر تا چه اندازه عملکرد گذشته و کنونی دانشگاه در بحران کرونا موجب بر حساسیت و اهمیت مدیریت راهبردی در دانشگاه‌ها تأثیر گذاشته است؟چگونه مدیریت آموزش‌عالی و دانشگاه‌های ایران دوباره در برنامه‌های مدیریت بحران خود تجدید نظر می‌کنند؟ اما پرسش دوم به دنبال راهکاری برای تحلیل گسست نظر و عمل در افکار مردم است. به دنبال آن است مشخص گردد چگونه مدیریت آموزش‌عالی و دانشگاه‌های ایران می‌تواند بین انتظارات نظری و عملی و کارکردی مردم در خصوص حساسیت و اهمیت و نقش راهبردی دانشگاه در برنامه‌های مدیریت بحران خود تجدید نظر نماید؟

در کندوکاو پرسش اول و برای تحلیل میزان حساسیت و اهمیت دانشگاه دو نوع نگاه وجود دارد:

الف- انتظارات نظری:

انتظاراتی که مردم از دانشگاه واقعی دارند آنست که بتواند در مراحل چهارگانه بحران (پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازسازی و بازتوانی) به جامعه کمک رسانی نماید. منظور از پیشگیری یعنی (مجموعه اقداماتی است که با هدف وقوع حوادث و یا کاهش آثار زیانبار آن، سطح خطر پذیری جامعه را ارزیابی نموده و با مطالعات و اقدامات لازم سطح آن را تا حدقابل قبول کاهش دهد.)، آمادگی (مجموعه اقداماتی است که توانایی جامعه را در انجام مراحل مختلف مدیریت بحران افزایش می‌دهد که شامل جمع‌آوری اطلاعات، برنامه ریزی، سازماندهی، ایجاد ساختارهای مدیریتی آموزش، تأمین منابع و امکانات، تمرین و مانور است.)، مقابله (انجام اقدامات و ارائه خدمات اضطراری به دنبال وقوع بحران است که با هدف نجات جان و مال انسان‌ها ، تأمین رفاه نسبی برای آنها و جلوگیری از گسترش خسارات انجام می‌شود) و بازسازی و باز توانی (مجموعه اقداماتی است که جهت بازگرداندن شرایط جسمی، روحی و روانی و اجتماعی آسیب دیدگان به حالت طبیعی به انجام می‌رسد).

ب- انتظارت کارکردی و عملکردی:

به‌طور کلی باید اذعان داشت جامعه تصویر مثبتی از کارآمدی و عملکرد دانشگاه در عرصه خدمت به جامعه در چهار مرحله بحران یعنی (پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازسازی و بازتوانی) بروز نمی‌دهد. دانشگاه و آموزش‌عالی در معرض انتقادات فراوانی هست که ناشی از ماهیت کارکردی و نارسایی نگاه راهبردی در توجه به مسایل واقعی و عینی جامعه به‌ویژه در سه بخش اصلی اقتصاد ایران یعنی صنعت، کشاورزی و خدمات است.

به نظر می‌رسد در کشور ایران بین انتظار از دانشگاه و تصویر از عملکرد دانشگاه شکافی عمیق در ذهنیت جامعه وجود دارد و این تصویر باعث شده که مردم به‌دلیل تجارب گذشته از ناکارآمدی دانشگاه آن‌را از نظر حساسیت و اهمیت اقتصادی واجتماعی در رتبه کمتری ارزیابی نمایند. به همین دلیل مشاهده می‌شود مردم در کوتاه مدت کمتر انتظار دارند دانشگاه بتواند تأثیری به هنگام بروز بحران‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در زندگی آنها به همراه داشته باشد. بنابراین، این شکاف بین آنچه مردم از دانشگاه انتظار دارند و آنچه عملکرد دانشگاه بوده باعث می‌شود جامعه ایرانی نتواند از توانمندی‌های محیط‌های دانشگاهی به‌خوبی بهره‌مند شود.

البته دلایلی برای بروز چنین گسست و شکافی در حوزه انتظار و عمل وجود دارد. دلایلی که ریشه اصلی آن ماهیت سیاست‌زده آموزش‌عالی و دانشگاه ایرانی است. سیاست‌زدگی جریان تمرکزگرایی را به شدت تقویت کرده است که باعث شده دانشگاه بیش از حد از کارکردهای اصیل خود خارج گردد. تجارب مختلفی از ناتوانی و نارسایی مدیریت راهبردی آموزش‌عالی ایران و دانشگاه در مدیریت بحران‌های مختلف کشور به‌ویژه سیلاب و اخیر کرونا وجود دارد. مشروعیت روسای دانشگاه‌ها در ایجاد اجماع علمی بین گروه‌های آموزشی و متخصصین دانشگاهی رشته‌های مختلف برای بررسی آسیب‌ها کرونا بر صنعت، کشاورزی و خدمات کشور و استان‌ها و ارائه راهکارها بسیار اندک بوده است.

اما سوال دوم:

چگونه مدیریت آموزش‌عالی و دانشگاه‌های ایران بتواند بین انتظارات نظری و عملی و کارکردی مردم در خصوص حساسیت و اهمیت و نقش دانشگاه در برنامه‌های مدیریت بحران خود تجدید نظر نماید؟

گفتگوی دانشگاه و جامعه نیاز به بازنگری دارد. گرچه شبکه دانشگاه و جامعه تلاش داشته طی چند سال گذشته با پوست‌اندازی چند ساختار وابسته به معاونت فرهنگی دیالوگی فرهنگی با مردم برقرار ساخته است اما این دیالوک فاقد راهبری و برنامه مشخصی است. صرفاً اساتید عضو این شبکه مسایل و دغدغه‌های شخصی را بیان می‌نمایند. در حالی‌که نیاز است براساس یک راهبرد مشخص در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی مسایل طبقه‌بندی و دیدگاه‌های اساتید برای رفع نیازهای جامعه در آن قالب سازماندهی گردد.

دپارتمان‌های علمی و آموزشی دانشگاه در سکوت علمی به سر می‌برند. حال آنکه می‌توانستند با تشکیل کارگروهای مجازی و شناسایی مسایل مهم جامعه در آن زمینه نظرات ودیدگاه‌ها و نسخه‌های علمی خود را در اختیار جامعه قرار دهند. عمده دغدغه روسای دانشگاه‌ها حضور اساتید در گروه و یا ارائه آموزش مجازی است. زیرا هنوز دانشگاه در صدد ایفای نقش سنتی خود یعنی آموزش و اتمام برنامه درسی دانشجویان است تا آنها را برای امتحانات پایان ترم و دادن مدرک آماده سازد!!!!

اما به‌ندرت مدیریت راهبردی آموزش‌عالی و دانشگاه‌های ایران در صدد تبدیل فرصت به تهدید هستند. مشکلات تازه و تجربه نشده در مدیریت دانشگاه‌ها باید واکاوی و تحلیل شوند. اما مدیران ارشد آموزش‌عالی و دانشگاه‌ها هنوز برای حل مشکلات ناشی از بحران کرونا دنبال راه حل‌های سنتی و تکراری هستند. بازنگری فرایندها، ساختارها، فرهنگ جدید تدریس و پژوهش، فنّاوری‌های نوین و از همه مهم‌تر تلاش دانشگاه برای ایفای نقش در مراحل چهارگانه بحران کرونا درحوزه مسایل راهبردی دانشگاه‌ها، دانشجویان، اساتید، آموزش و پروهش، تأمین هزینه‌ها، تعامل با جامعه و ساختارها و فرایندهای جدید نامشخص است.

1. \* استاد دانشگاه شهید چمران و مدیراجرایی سازمان مدیریت صنعتی خوزستان [↑](#footnote-ref-1)